

بررسی مسائل حاشیه‌نشینی با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی فرهنگی (مطالعه موردی مناطق ارزان و دارک اصفهان)

دکتر فروغ عریضی *

دکتر رسول ربانی **

فاطمه کریمی ***

تاریخ دریافت: ۸۲/۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۸۳/۷/۱۳

چکیده

هدف از این تحقیق، بررسی مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینی است. حاشیه‌نشین‌ها به کسانی گفته می‌شود که در اطراف شهر ساکن هستند ولی جذب نظام اقتصادی اجتماعی آن نشده‌اند. آن‌ها اغلب مهاجرانی هستند که برای به دست آوردن زندگی بهتر، به سمت شهرها مهاجرت کرده‌اند، ولی به علت عدم تمکن مالی و همچنین نداشتن سرمایه، مهارت و

* عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

** عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

تحصیلات نتوانسته‌اند جذب اقتصاد شهر شوند. در نتیجه، به حاشیه‌ها رانده شده‌اند. این افراد قشر فقیری را تشکیل می‌دهند که با عوارضی چون بهداشت ناکافی، انحرافات، بیکاری، و بزهکاری سروکار دارند.

این بررسی سعی کرده است به جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مسئله توجه کند و این معضل را در مفهوم جدید بررسی نماید. پژوهش حاضر به روش پیمایشی صورت گرفته است. با توجه به فرضیات مطرح شده، پرسش‌هایی تهیه گردید و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، نتایج جمع‌آوری شد. در فرضیات، متغیرهای حاشیه‌نشینی و شغل قبلی به عنوان متغیرهای مستقل و مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، انحرافات، بیکاری و کار کردن به عنوان متغیرهای وابسته انتخاب شدند.

این فرضیات با کمک نرم‌افزار SPSS و روش ناپارامتری بررسی شد و از ضرایب گاما، کندال و اسپیرمن برای مشخص کردن میزان پیوند و از آزمون‌های χ^2 برای تأیید یا رد فرضیات استفاده شد که نتایج بیانگر تأیید ارتباط حاشیه‌نشینی با مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، انحرافات، بیکاری و شغل قبلی بود، ولی فرضیه ارتباط حاشیه‌نشینی و کار کودکان رد گردید.

واژه‌های کلیدی: حاشیه‌نشینی (migration)، حاشیه‌نشینی سیاسی (political migration)، حاشیه‌نشینی اجتماعی (social migration)، حاشیه‌نشینی فرهنگی (cultural migration)، انحرافات (deviation)، مشارکت اجتماعی (social participation)، مهاجرت (immigration)، آسیب‌شناسی شهری (urban pathology)

روش تحقیق

در این پژوهش از روش پیمایشی (سرایی، ۱۳۷۲: ۱۳۹) استفاده شده است. برای تهیه چارچوب نظری تحقیق، از نظرات صاحب‌نظران بهره گرفتیم و براساس آن، فرضیاتی در نظر

گرفته شد. به دنبال آن، پرسشنامه‌ای تهیه گردید و با استفاده از روش برآورد هزینه و همچنین فرمول کوکران از جمعیت ۲۴۰۰۰ نفری، جامعه آماری ۴۰۰ نفری در نظر گرفته شد. با استعانت از نمونه‌گیری تصادفی، پرسشنامه‌ها تکمیل و در نهایت توسط رایانه نتایج استخراج و فرضیه‌ها آزمون گردید. برای آزمون فرض‌ها از ضرایب ویلکاکسون "Wilcoxon" (نوعی آزمون t-test است)، χ^2 ، اسپیرمن و... استفاده شده است؛ گاما، کندال نیز بیانگر قدرت پیوند بین متغیرهاست.

مقدمه

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی مانند جریان سریع شهرنشینی و مهاجرت‌های روستایی لجام‌گسیخته در بیش‌تر کشورهای جهان، به ویژه کشورهای جهان سوم پدیدار گردیده است. «حاشیه‌ای» به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که در محدوده شهر ساکن هستند ولی جذب نظام اجتماعی - اقتصادی شهر نشده‌اند. (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹) از آن‌جا که این گروه «... پس از مهاجرت به شهر به سختی می‌توانند خود را با قوانین و شرایط زندگی شهری و از همه مهم‌تر فرهنگ آن سازگار نمایند... در دام عوامل مخرب اجتماعی گرفتار می‌آیند» (فرجاد، ۱۳۶۱: ۲۵)، در نتیجه «آن‌ها با زمینه‌های بزهکاری، نابرابری، عدم بهداشت، تعارض، فقر، بیکاری سر و کار دارند» (ربانی، ۱۳۸۰: ۶۴) تا جایی که برخی از این مسئله به عنوان آپاندیس شهر یاد می‌کنند (ربانی و افشارکهن، ۱۳۸۰: ۹۳) و حل مسائل شهری را در گرو حل آن می‌دانند (همان منبع، ۹۴).

پرسش‌های آغازین

پرسشی که مطرح است، این است که آیا حاشیه‌نشینی فقط از نظر اقتصادی دارای اهمیت

است؟ آیا فقر اقتصادی صرف زمینه‌ساز آن است؟ یا نه، عوامل اجتماعی - فرهنگی در این امر دخیل است؟ اگر این معضل را مسئله صرف اقتصادی در نظر گیریم، با حل مشکلات اقتصادی (تهیه مسکن و سرپناه و تهیه غذا) مسئله حاشیه‌نشینی نیز باید حل شود. اما در غیر این صورت، پرسش‌های دیگری مطرح است، از جمله چگونه عوامل اجتماعی - فرهنگی مسئله‌ساز هستند؟ برای رفع آن باید چه کرد؟ و...

تحقیقی که پیش رو دارید، سعی کرده است علاوه بر بیان بعد اقتصادی، به ابعاد فرهنگی و اجتماعی قضیه نیز بپردازد و با تأکید بر آن ابعاد، معضل حاشیه‌نشینی را در مفاهیم جدید مطرح سازد.

تعریف موضوع

بنابر برخی تعاریف، حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در سکونتگاه‌های غیرمتعارف با ساکنان بافت اصلی (شهر) زندگی می‌کنند و بیش‌تر بر اثر نیروی دافعه خاستگاه فقر و بیکاری و کم‌تر عوامل جاذب شهری از زادگاه خود - روستا، ایل یا شهرهای کوچک - رانده می‌شوند و به شهرها روی می‌آورند (منصوریان و آیت‌اللهی، ۱۳۵۶: ۲).

پارک به بعد اجتماعی حاشیه‌نشینی می‌نگرد و چنین اظهار می‌دارد: «انسان حاشیه‌نشین نوعی شخصیت است که در زمان و مکانی به وجود می‌آید که در اثر کشمکش نژادها و فرهنگ جامعه‌های نو، مردم نو و فرهنگ‌های نو به عرصه وجود گام می‌نهد. سرنوشتی که او را محکوم می‌کند که در یک زمان در دو دنیای جداگانه زندگی کند...» (انصاری، ۱۳۶۹: ۲۰).

پارک در ادامه، حاشیه‌نشینی را نتیجه مهاجرت می‌داند، که باعث می‌شود برای مهاجر موقعیتی پیش آید که در دو دنیای جداگانه فرهنگی زندگی کند و یک شخصیت ناپایدار و ناستوار شود. او این شخصیت ناستوار را «انسان حاشیه‌نشین» نام می‌نهد. این انسان حاشیه‌نشین تحت تأثیر خود منقسم شده قرار دارد و پیوسته بحران دائمی را احساس می‌کند. مارشال کلینارد (M. Clinard) نیز در تعریف حاشیه‌نشین از مفاهیم فرهنگی - اجتماعی

بهره‌جسته، می‌گوید:

«حاشیه‌نشینی، خرده‌فرهنگی با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهاست که در محل‌هایی با بهداشت کم، با انحرافات اجتماعی و ویژگی‌های دیگر، از جمله انزوای اجتماعی همراه است» (Clinard, 1966: 3)

در آخر، با استفاده از تعاریف ارائه‌شده، مناسب است تعریفی از این مفهوم ارائه شود، تعریفی که این پژوهش براساس آن پایه‌ریزی شده است.

«حاشیه‌نشینان کسانی هستند که بیش‌تر تحت تأثیر عوامل منفی زادگاه خود و کم‌تر در اثر جنبه‌های مثبت شهر، به شهرها روی آورده‌اند.^(۱) ولی به علت نداشتن مهارت، سرمایه و تحصیلات نتوانسته جذب اقتصاد و بازار کار شهر شوند. این امر باعث عدم تمکن آن‌ها شده و آن‌ها را به حاشیه‌رانده و مجبور به سکونت در محله‌های ارزان - نه غصبی چراکه در دو منطقه مورد مطالعه اجاره‌بها بسیار نازل بوده - کرده است. این حاشیه‌نشینان از نظر رفتار و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی و حتی گاهی زبان، متفاوت از مردم متن شهر هستند، به گونه‌ای که هم حاشیه‌نشینان خود را جدای از مردم شهر می‌دانند و هم مردم ساکن در متن شهر به دیده تحقیر به حاشیه‌نشینان می‌نگرند. به قولی، یک دیوار فرهنگی - منظور، تمایز فرهنگی - بین این دو گروه است.^(۲)»

چارچوب نظری تحقیق

روند شکل‌گیری حاشیه‌نشینی

مارشال کلینارد معتقد است که زاغه‌نشینی بر اثر رشد شهرها حاصل می‌آید، به این صورت

۱- البته تعدادی نیز غیرمهاجرند؛ به بیان دیگر، حاشیه‌نشین بومی هستند.

۲- مخصوصاً این که در این دو منطقه مورد مطالعه، مهاجران خارجی نیز سکونت دارند و تعداد زیادی از سکنه افغانی نیز بین آن‌ها هستند که نه مردم اصفهان آن‌ها را جزو خود می‌دانند و نه آن‌ها خود را ایرانی می‌دانند.

که در مراحل اولیه رشد، مرکز شهرها محل سکونت افراد متمول و طبقه بالاست، ولی کم‌کم با گسترش مناطق تجاری و صنعتی در این محل، آن‌هایی که وضع بهتری دارند از مرکز شهر به سمت خارج حرکت کرده، دور از مرکز شهر زندگی می‌کنند. کارگران و گروه‌های فقیر و کم‌درآمد به این منطقه مرکزی می‌آیند و ساکن آن می‌شوند. از آن‌جا که مالکان اجاره کمی جهت تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها دریافت می‌کنند، این مناطق، شلوغ و خراب شده، به زاغه تبدیل می‌شود (Clinard, 1966: 18).

لوئیس ورث (Louis Wirth) و برجیس (Burgess) نیز با طرح نظریه منطقه‌ای معتقدند که در جریان توسعه شهر، مناطقی با کارکردها و ویژگی‌هایی به وجود می‌آید و در آخرین مرحله رشد، منطقه اعیان‌نشین شکل می‌گیرد (Burgess, 1967: 47-60). البته لازم به ذکر است که این نظریات بیش‌تر با خصوصیات شهرهای کشورهای پیشرفته مطابقت دارند که حومه‌های شهرها بهتر از مرکز شهرند، در حالی که در اغلب شهرهای جهان سوم وضع، عکس است.

به نظر پل میدوز (Paul Meadows) «در کشورهای در حال توسعه، شهرهای بزرگ حاشیه‌نشینی دارند. این شهرها با سیل عظیم مهاجران روستایی روبه‌رو هستند و شهر به عنوان یک متوقف‌کننده در مورد آن‌ها عمل می‌نماید.

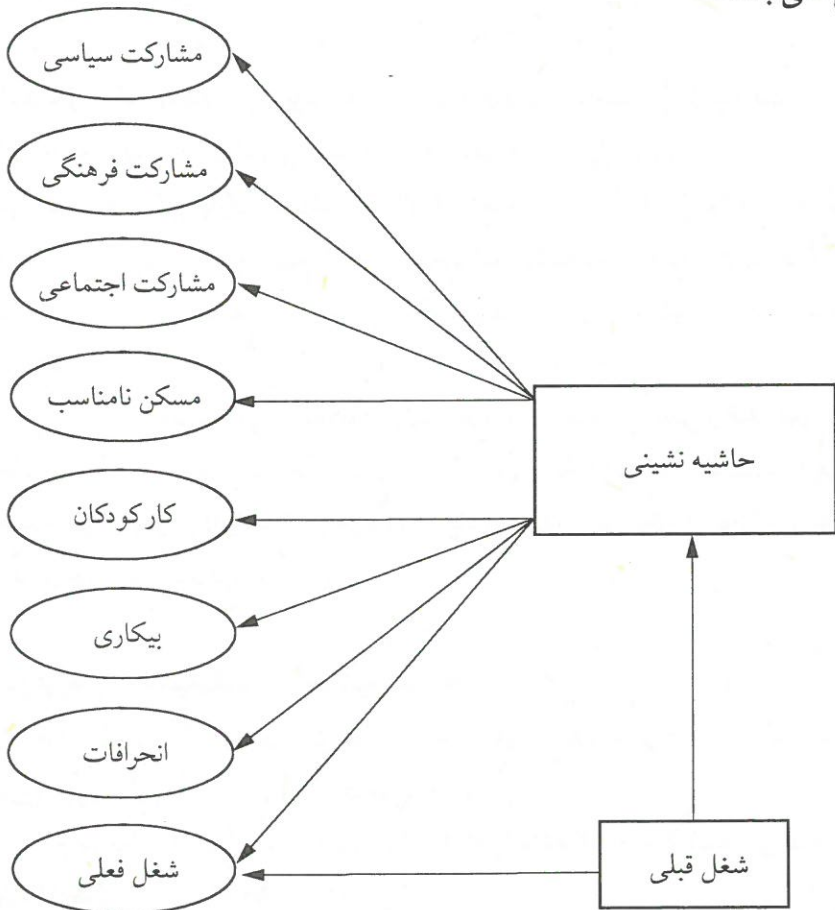
بعضی از مهاجران خوشبخت می‌توانند از دروازه طلایی شهر عبور کنند و خود را با شهر تطبیق دهند. اما بعضی از آن‌ها نمی‌توانند با شهر سازگاری داشته باشند و در نتیجه، پشت دروازه شهر، مناطق حاشیه‌نشین را تشکیل می‌دهند. اولین عامل حاشیه‌نشینی، اقتصاد و بعد از آن، دلایل فرهنگی و اجتماعی است.

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری این تحقیق برگرفته از نظریات اندیشمندانی چون کلود کرون، کولین، پل

میدوز، کلین جیمز، کلینارد، منصوریان و زاهد زاهدانی است که در زیر به شرح نظریات به کار رفته در این تحقیق می‌پردازیم، و مدل نظری خاص تحقیق را می‌آوریم.

طرح کلی بحث



در این بررسی، حاشیه‌نشین‌ها، سیل عظیم مهاجرانی هستند که به علت نابرابری سطح زندگی در روستا و شهر (مقصد نسبت به مبدأ) روانه شهرها شده‌اند ولی نتوانسته‌اند خود را با شرایط شهر تطبیق دهند (میدوز)، پس به حاشیه شهرها که اجاره‌بها در سطح پایین است (کلود کرون، کلین جیمز) رانده شده‌اند، به صورتی که خود، دارای خرده‌فرهنگی مخصوص با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها (کلینارد)، ساخت اجتماعی به خصوص (استونکوئیست) هستند. این ویژگی‌ها باعث رواج انحرافات، جدایی از ساخت سیاسی کلی جامعه (کلینارد)، و انزوای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی می‌شود. این ویژگی‌ها به علت تمایز فرهنگی (پارک)، سیاسی (کلینارد) و اجتماعی (استونکوئیست) حاشیه‌نشینان با جمعیت شهری است. حاشیه‌نشین‌ها از آن‌جا که اغلب بدون مهارت، تحصیلات و سرمایه هستند، در حقیقت قشر فقیر بیکار (منصوریان و آیت‌اللهی) شهر را تشکیل می‌دهند.

در هر صورت، به نظر می‌آید که حاشیه‌نشینان انزوای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ساکنان خود را به همراه دارد و با عوارضی چون رواج بیکاری و انحرافات همراه است. در دید اول، حاشیه‌نشینان فقیر در گذران زندگی خود دچار مشکل هستند، پس به ناچار محتاج درآمد تمام اعضای خود، از جمله کودکان هستند.

ویژگی‌های حاشیه‌نشینان و حاشیه‌نشین‌ها

حاشیه‌نشینان دارای ویژگی‌هایی است که به گونه‌ای در تعاریف و علل آن آمده است. در این جا فهرست‌وار به بیان این ویژگی‌ها می‌پردازیم.

- حاشیه‌نشین‌ها اکثراً مهاجر هستند (3: Clinard, 1966)، البته حاشیه‌نشین بومی نیز داریم (احسن و نیرومند، ۱۳۵۱: ۵).

- حاشیه‌نشین‌ها از نظر سواد در سطح پایینی هستند و بیسواد در بین آن‌ها زیاد است (همان

- منبع؛ ربانی و افشارکهن، ۱۳۸۱: ۹۵).
- اکثر آن‌ها فاقد مهارت هستند.
 - درآمد آن‌ها پایین است و به مشاغل سطح پایین اشتغال دارند (Berger, 1986: 21).
 - بیکاری و کارها و مشاغل متفرقه در آن‌ها زیاد است.
 - مناطق حاشیه‌نشین دارای جمعیت زیاد است (احسن و نیرومند، ۱۳۵۱: ۹).
 - انحرافات و بزهکاری در مناطق حاشیه‌ای فراوان است. به بیان دیگر، حاشیه‌نشینی منبع اصلی جرم و جنایت است (Clinard, 1966: 3). حاشیه‌نشین‌ها به امور ناهنجاری از جمله قاچاق مواد مخدر و خشونت‌های جنسی سر و کار دارند (ربانی و افشارکهن، ۱۳۸۰: ۸۱).
 - حاشیه‌نشین‌ها در سکونتگاه‌های غیرمتعارف زیست می‌کنند (زاهدانی، ۱۳۵۸: ۲؛ منصوریان ۱۳۵۶: ۲).
 - فقر، عدم بهداشت و درآمد پایین از مشخصه‌های حاشیه‌نشینی است؛ به طور کلی، آن‌ها از طبقه پایین جامعه هستند (Clinard, 1966: 41).

انواع حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی را براساس معیارهای مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد.

تقسیم‌بندی حاشیه‌نشینی براساس محل سکونت اولیه

در این نوع طبقه‌بندی، به محل سکونت اولیه فرد حاشیه‌نشین توجه می‌شود. از این نظر می‌توان حاشیه‌نشینی را به سه دسته الف) حاشیه‌نشین بومی، ب) حاشیه‌نشین غیربومی داخلی، و ج) حاشیه‌نشین دوگانه تقسیم‌بندی کرد.

الف) حاشیه‌نشینی بومی

حاشیه‌نشین بومی شامل آن دسته از حاشیه‌نشینان است که غیرمهاجرند، بدین معنا که از

بدو تولد در این منطقه حاشیه‌نشین سکونت داشته‌اند. البته اکثر این افراد از نسل دوم مهاجران هستند.

ب) حاشیه‌نشین غیربومی داخلی

حاشیه‌نشین غیربومی داخلی شامل مهاجرانی است که از روستاها و شهرهای دیگر کشور به این مناطق کشیده شده‌اند.

ج) حاشیه‌نشینی دوگانه

حاشیه‌نشین دوگانه، فردی است که از کشور دیگر به این محل آمده است. البته این اصطلاح توسط عبدالمعبود انصاری در مورد ایرانیان ساکن در آمریکا به کار رفت. اما می‌توان آن را برای افغانه و اعراب که از افغانستان و کشورهای عربی به این منطقه آمده‌اند نیز به کار برد. شاید بتوان به جای حاشیه‌نشین دوگانه از «حاشیه‌نشین مضاعف» نیز استفاده کرد.

تقسیم‌بندی حاشیه‌نشینی از نظر ویژگی حاشیه‌نشینی‌ها

از نظر ویژگی حاشیه‌نشینی‌ها تقسیم‌بندی دیگری می‌توانیم از این پدیده ارائه دهیم. بر این اساس، حاشیه‌نشینی به دو دسته الف) حاشیه‌نشینی آشکار و ب) حاشیه‌نشینی پنهان تقسیم می‌شود.

الف) حاشیه‌نشینی آشکار

در این نوع حاشیه‌نشینی، فرد، خود، به تفاوتش با مردم متن شهر واقف است. این نوع حاشیه‌نشینی مخصوصاً در تفاوت‌های نژادی هویداست.

ب) حاشیه‌نشینی پنهان

در این نوع حاشیه‌نشینی، فرد، خود، به‌رغم تفاوتش - بیش‌تر در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی - با مردم متن شهر، خود را متفاوت نمی‌داند. یعنی فرد حاشیه‌نشین، خود، به وضعیتش واقف نیست.

تقسیم‌بندی حاشیه‌نشینی براساس جنبه‌های حاشیه‌نشینی

بر اساس جنبه‌های حاشیه‌نشینی می‌توان این پدیده را به سه دسته الف) حاشیه‌نشینی اجتماعی، ب) حاشیه‌نشینی اقتصادی و ج) حاشیه‌نشینی سیاسی تقسیم کرد.

الف) حاشیه‌نشینی اجتماعی

در جوامع پیشرفته، حاشیه‌نشینی به طراحی افراد یا گروه‌های اجتماعی می‌پردازد که خواسته یا ناخواسته در خارج از نظم اجتماعی قرار دارند (Pierre, 1988: 399).

در حاشیه‌نشینی اجتماعی، افراد از نظر ویژگی‌های اجتماعی (مثل رفتار و سلوک زبان) احساس حاشیه‌ای دارند. این امر در میان مهاجرانی که از نظر نژاد، قوم، مذهب و حتی طبقه با ساکنان متن (مقصد) متفاوتند، بیش‌تر به چشم می‌خورد. زیرا «مهاجران... از جهان سنتی خود بیرون آمده‌اند و هنوز با جهان جدید انس نگرفته‌اند و منتظر اجتماعی شدن جدید هستند... (آن‌ها) به صورت گروه‌های قومی روزگار می‌گذرانند و خطوط اساسی فرهنگ خود را حفظ کرده‌اند...» (خویی، ۱۳۸۰: ۲۶۲-۲۶۳).

احساس حاشیه‌ای از بعد اجتماعی باعث می‌شود تا مهاجران، مخصوصاً جوان‌ها احساس بی‌هویتی کنند و در دوراهی قرار گیرند. در این موقع است که با تشکیل گروه‌ها و باندها سعی در مخفی نگاه داشتن ویژگی حاشیه‌ای خود دارند. فرد مهاجر از اجتماع بریده و پایه‌دنیای جدید گذشته، احساس می‌کند به پناهگاهی نیاز دارد تا این بیگانه‌گی را در خود حل کند؛ پس به سوی آن‌هایی می‌رود که در بحران از دست دادن ارزش‌های بومی با وی هم‌دردند و بدین صورت، «خرده‌فرهنگ زاغه‌ای» شکل می‌گیرد. این خرده‌فرهنگ زاغه‌ای از افرادی تشکیل می‌یابد که کم‌وبیش مشکلات مشابهی دارند و ارتباطات آنان با یکدیگر ارزش‌ها و گرایش‌های جدیدی را به وجود می‌آورد. بنابراین بسیاری از رفتارهایی که در فرهنگ حاکم جامعه ناهنجار یا انحرافی تلقی می‌شود، در این مکان‌ها عادی است.

در بسیاری از کشورهایی که با مشکل حاشیه‌نشینی مواجه هستند، مشکلات اجتماعی

دیگر هم پیامد آن است، مانند بالا رفتن میزان جنایت‌ها، روسپی‌گری، استفاده از مواد مخدر، بزهکاری، سرقت، و قاچاق.

البته گاه جنسیت نیز باعث حاشیه‌نشینی فرد و خانواده می‌شود (این جنبه، کم‌تر مورد توجه بوده است) «... در حدود هفتاد درصد از قشر فقیر جهان را زنان تشکیل می‌دهند که بهانه جنسیت، بسیاری از فرصت‌های شغلی از آنان سلب می‌شود. ایجاد فرصت‌های اشتغال باعث افزایش درآمد و ارتقای سطح زندگی آنان می‌شود... (Mbugua, 2002) و خانواده را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ب) حاشیه‌نشینی سیاسی

حاشیه‌نشینی از بعد سیاسی - بعدی که کم‌تر مورد توجه بوده است - شامل مواردی است که افراد از جنبه سیاسی، خود را در حاشیه می‌بینند. حاشیه‌نشینی سیاسی برای نخبگان از قول لرنر (Lerner) «ناشی از فقدان شرکت آن‌ها در ساخت‌های نهادی نظام سیاسی است» (Lerner, 1966: 163).

وقتی فرد نه تنها خود قادر به شرکت در نهادهای سیاسی نباشد، بلکه احساس کند مسائل و مشکلات و خواسته‌های وی مورد توجه سیاستمداران جامعه نیست، از نظر سیاسی احساس «حاشیه‌ای بودن» می‌کند.

حاشیه‌نشینی اقتصادی

همه اندیشمندانی که به بررسی حاشیه‌نشینی پرداخته‌اند، به جنبه اقتصادی قضیه توجه داشته‌اند. اگر به تعاریفی که اینان از حاشیه‌نشینی ارائه داده‌اند دقت کنیم، متوجه می‌شویم که هر یک به بعد یا ابعادی از این جنبه توجه کرده است. عده‌ای به سکونت نظر داشته و سکونت غیرمعارف را علامت حاشیه‌نشینی می‌دانند (منصوریان و آیت‌اللهی، زاهد زاهدانی، و نیرومند و احسن). برخی به عدم جذب اقتصادی شهر به دلایل مختلف، از جمله درآمد پایین،

مهارت کم، و تحصیلات پایین (منصوریان و آیت‌اللهی و زاهد زاهدانی) توجه کرده‌اند. عده‌ای در بیان جنبه اقتصادی به عامل مهاجرت و عوامل منفی روستا یا شهرهای مهاجر فهرست و عامل مثبت شهرهای مهاجرپذیر نظر داشته و آن را علل حاشیه‌نشینی می‌دانند (پارک و استونکوئیست، زاهد زاهدانی، نیرومند و احسن). شاید بتوان گفت که همه حاشیه‌نشینان از نظر اقتصادی توانایی جذب در نظام اقتصادی شهر را ندارند، هر چند ممکن است در نظام سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در حاشیه نباشند.

نتایج آماری تحقیق

جمعیت ارزنان و دارک ۲۴۰۰۰ نفر است که جامعه آماری متشکل از چهارصد نفر از اهالی ارزنان و دارک در نظر گرفته شده است.

توصیف جامعه آماری براساس پایگاه اجتماعی

با توجه به شغل والدین، میزان درآمد خانواده، نوع مسکن و تحصیلات اعضای خانواده، پایگاه اجتماعی و خانوادگی پاسخگویان را مشخص کردیم و آن را در خصوص وضعیت حاشیه‌نشینی قرار داده‌ایم و نتایج را در جدولی به شرح زیر آورده‌ایم که توجه شما را بدان جلب می‌کنیم.

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان براساس پایگاه اجتماعی و حاشیه‌نشینی

کل		غیر حاشیه‌نشینی		حاشیه‌نشینی		وضعیت پایگاه اجتماعی
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۲/۵	۱۰	۱/۵	۶	۱	۴	طبقه بالا
۳۳/۵	۱۳۴	۵	۲۰	۲۸/۵	۱۱۴	طبقه متوسط
۶۴	۲۵۶	۸	۳۲	۵۶	۲۲۴	طبقه پایین
۱۰۰	۴۰۰	۱۴/۵	۵۸	۸۵/۵	۳۴۲	کل

همان‌طور که از نتایج جدول هویداست، اکثر پاسخگویان از طبقه پایین جامعه هستند. به بیان دیگر، ۶۴ درصد آن‌ها متعلق به این طبقه هستند. ۳۳/۵ درصد پاسخگویان از پایگاه اجتماعی متوسطی برخوردارند و تنها ۲/۵ درصد وضع اجتماعی خوبی دارا هستند. نکته قابل توجه این است که این تعداد نیز در مقایسه با ساکنان آن منطقه چنین وضعیتی دارند و چه بسا در مقایسه با کل جامعه، آن‌ها نیز جزء طبقه پایین و در نهایت، جزء طبقه متوسط باشند.

توصیف علت مهاجرت از دید پاسخگویان

جدول توزیع فراوانی علت مهاجرت از نظر پاسخگویان

درصد	تعداد	علت مهاجرت
۲۴/۵	۹۸	بیکاری در محل تولد
۱۷	۶۸	کسب شغل بهتر
۶/۵	۲۶	بهبود سطح تحصیل
۱۲/۵	۵۰	فرار از شرایط سخت
۲۴	۹۶	بی‌ثباتی سیاسی
۱/۵	۶	ملحق شدن به خانواده
۷/۵	۳۰	سایر
۶/۵	۲۶	بی‌جواب
۱۰۰	۴۰۰	کل

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، بیکاری مهم‌ترین علت مهاجرت به این منطقه است. ۲۴/۵ درصد پاسخگویان این علت را عامل مهاجرت خود دانسته‌اند و ۱۷ درصد نیز کسب درآمد بهتر

را عنوان کرده‌اند. می‌توان گفت در حدود ۴۰ درصد از موارد، عامل اقتصاد باعث مهاجرت شده است. در مورد ۱۸/۵ درصد عامل اجتماعی (تحصیل، فرار از شرایط سخت زندگی و ملحق شدن به خانواده) نقش داشته است. البته شرایط سخت زندگی را می‌توان جزء عامل اقتصادی نیز آورد. ۲۴ درصد بی‌ثباتی سیاسی و جنگ را بهانه قرار داده‌اند. همهٔ افغانی‌ها به این عامل اشاره داشته‌اند.

توصیف علت «قصد عزیمت» از منطقه

علت قصد عزیمت از منطقه با پرسش: «آیا قصد ترک منطقه را دارید؟ به چه علت؟» سنجیده شده است؟ نتایج در جدول زیر آمده است، دقت کنید:

جدول توزیع فراوانی علت عزیمت از منطقه از دید پاسخگویان

کل	درصد از کل	تعداد	گویه‌ها	
۱۳۰	۳۲/۵	۱۳۰	خیر	
	۲۹	۱۱۶	امکانات رفاهی ندارد	بلی
۲۳۸	۱۲	۴۸	نامناسب بودن برای تربیت بچه‌ها	به دلیل
	۵/۵	۲۲	نیبود امنیت	
	۱۱/۵	۴۶	وجود انحرافات	
	۱/۵	۴	سایر موارد	
۳۲	۸	۳۲	ذکر شده	
۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	کل	

۲۳۸ نفر از پاسخگویان یا تقریباً ۶۰ درصد آن‌ها قصد عزیمت از این منطقه را دارند و اکثر

این افراد به خاطر نبود امکانات رفاهی در مضیقه هستند. به بیان دیگر ۱۱۶ نفر از ۲۳۸ نفر - در حدود ۵۰ درصد - این علت را عنوان کرده‌اند. ۲۰ درصد نیز نامناسب بودن منطقه را بهانه قرار داده‌اند، تقریباً همین میزان نیز به علت وجود انحرافات در منطقه، قصد مهاجرت دارند. در خصوص حاشیه‌نشینی، با توجه به مباحث ارائه‌شده، فرضیاتی بررسی شد که نتایج آن به شرح زیر است:

- ۱- بین حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین حاشیه‌نشینی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین حاشیه‌نشینی و مشارکت فرهنگی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین حاشیه‌نشینی و شغل قبلی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین حاشیه‌نشینی و انحرافات رابطه وجود دارد.
- ۶- بین حاشیه‌نشینی و بیکاری رابطه وجود دارد.
- ۷- بین حاشیه‌نشینی و کار کودکان رابطه وجود دارد.
- ۸- بین شغل قبلی و شغل فعلی فرد حاشیه‌نشین رابطه وجود دارد.

بررسی فرضیه «ارتباط بین حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی»

به توزیع این دو متغیر در جدول زیر دقت کنید.

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان براساس وضعیت حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی

وضعیت پایگاه اجتماعی		حاشیه‌نشینی		غیر حاشیه‌نشینی		کل
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
زیاد	۶۴	۱۹	۱۴	۳/۵	۱۳۲	۳۳
کم	۲۷۸	۸۱	۴۴	۱۱	۲۶۸	۶۷
کل	۳۴۲	۸۵/۵	۵۸	۱۴/۵	۴۰۰	۱۰۰

$$Z = -9/37$$

$$df = 1$$

$$sig = 0/000$$

با توجه به داده‌های جدول ۸۵/۵ درصد پاسخگویان حاشیه‌نشین هستند، از این تعداد ۸۱ درصد مشارکت اجتماعی ضعیفی دارند و تنها ۱۹ درصد در مسائل اجتماعی مشارکت خوبی دارند. برای بررسی این فرضیه از آزمون ویلکاکسون (نوعی آزمون χ^2 است) استفاده شده است که میزان آن برابر ۹/۳۷- شد. با توجه به این میزان و با توجه به سطح اطمینان، این فرضیه با اطمینان بسیار بالایی تأیید شده است. به علامت ضریب به دست آمده دقت کنید. این علامت نشان‌دهنده جهت ارتباط بین این دو متغیر است. رابطه مذکور عکس است؛ یعنی هر چه بر میزان حاشیه‌نشینی فرد افزوده شود، از مشارکت اجتماعی وی کاسته می‌شود. سطح اطمینان گفته ۹۹ درصد است (با توجه به سطح معنی داری $\text{sig}=0/000$).

بررسی فرضیه «ارتباط بین حاشیه‌نشینی و شغل قبلی»

برای آزمون این فرضیه از روش‌های مختلفی استفاده شد و تمام روش‌ها فرضیه را در سطح بالایی تأیید کرد. به جدول زیر دقت کنید.

جدول ضرایب همبستگی بین دو متغیر حاشیه‌نشینی و شغل قبلی

نوع همبستگی	میزان	درجه آزادی	سطح معنی دار
خی دو	۳۸/۳۸۸	۴	۰/۰۰۰
کنندال بی ط	۰/۲۹۷	۴	۰/۰۰۰
اسپیرمن	۰/۳۱۳	۴	۰/۰۰۰
گاما	۰/۳۲۱	۴	۰/۰۰۰

به میزان خی دو توجه کنید، این میزان برابر با ۳۸/۳۹ است. با کمک سطح معنی داری که خیلی کم‌تر از ۰/۰۵ است می‌توان ادعا کرد که فرضیه «رابطه بین حاشیه‌نشینی و شغل قبلی» با

خطای بسیار کمی تأیید می‌شود. به مقدار اسپیرمن دقت کنید؛ این ضریب، میزان همبستگی را نشان می‌دهد. به بیان دیگر می‌توان گفت ۳۱ درصد تغییرات مربوط به حاشیه‌نشینی، به شغل قبلی فرد بستگی دارد. میزان کندال بی و گاما نیز مؤید این ادعاست. میزان خطا در این ادعاها بسیار پایین است ($\text{sig}=0/000$). طبق مباحث بالا می‌توان نتیجه گرفت که هر چه شغل فرد قبل از مهاجرت در سطح پایین باشد و از شغل‌هایی باشد که به مهارت نیاز نداشته باشد، احتمال به حاشیه‌کشیده شدن وی بیش‌تر است.

بررسی فرضیه «رابطه بین حاشیه‌نشینی و مشارکت سیاسی»

برای آزمون فرضیه مذکور از روش‌های مختلفی استفاده و نتایج در جدول زیر آورده شده

است.

جدول ضرایب همبستگی بین دو متغیر حاشیه‌نشینی و مشارکت سیاسی

ضرایب	میزان	سطح معنی‌داری
خی‌دو	۹/۴۶۰	۰/۰۰۰
کندال	۰/۲۱۷	۰/۰۰۰
کرامر	۰/۱۱۱	۰/۰۰۰
ویلکاکسون	-۸/۸۷۶	۰/۰۰۰

همان‌طور که از میزان خی‌دو و همچنین سطح معنی‌داری پیداست، فرضیه ما در سطح

بالایی تأیید شده است. میزان کندال و کرامر، ضریب پیوند را نشان می‌دهد، بدین معنی که ۲۱

درصد تغییرات مشارکت سیاسی به وضعیت حاشیه‌نشینی افراد ربط دارد.

فرضیه «رابطه بین حاشیه‌نشینی و مشارکت فرهنگی»

جدول ارتباط حاشیه‌نشینی با مشارکت فرهنگی

کل		غیرحاشیه‌نشین		حاشیه‌نشین		وضعیت مشارکت فرهنگی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۳	۱۳۲	۳/۵	۱۴	۲۹/۵	۱۱۸	زیاد
۶۷	۲۶۸	۱۱	۴۴	۵۶	۲۲۴	کم
۱۰۰	۴۰۰	۱۴/۵	۵۸	۸۵/۵	۳۴۲	کل

$$Z = -۸/۹۱$$

$$df = ۱$$

$$sig = ۰/۰۰۰$$

همان‌طور که از داده‌های جدول پیداست، اکثر ساکنان مشارکت فرهنگی ضعیفی با همدیگر دارند؛ یعنی ۶۷ درصد از آنان چنین وضعیتی دارند. از این میزان ۵۶ درصد مربوط به کسانی است که ویژگی‌های حاشیه‌نشینی را دارا هستند و تنها ۱۱ درصد مربوط به غیرحاشیه‌نشین‌هاست.

در هر صورت، برای سنجش ارتباط دو متغیر از آزمون ویلکاکسون (نوعی آزمون χ^2 است) استفاده شده است. با میزان Z به دست آمده ($-۸/۹۱$) و سطح معنی‌داری می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه «ارتباط بین حاشیه‌نشینی و مشارکت فرهنگی» تأیید می‌شود. به علامت Z دقت کنید، با استفاده از این علامت، جهت ارتباط مشخص می‌شود، بدین معنی که ارتباط بین این دو متغیر، منفی و عکس است.

بررسی «رابطه بین حاشیه‌نشینی و انحرافات»

قبل از هر توضیحی، مناسب است که توزیع این دو متغیر در جدولی آورده شود.

جدول توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت حاشیه‌نشینی و انحرافات

کل		غیرحاشیه‌نشین		حاشیه‌نشین		وضعیت انحرافات
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۰	۸۰	۲	۸	۱۸	۷۲	کم
۲۷/۵	۱۱۰	۳/۵	۱۴	۲۴	۹۶	متوسط
۵۲/۵	۲۱۰	۹	۳۶	۴۳/۵	۱۷۴	زیاد
۱۰۰	۴۰۰	۱۴/۵	۵۸	۸۵/۵	۳۴۲	کل

Chi=۳۴/۷۵

df=۲

sig=۰/۰۰۰

برای آزمون این فرض از ضریب خی دو استفاده شد و میزان آن برابر با ۳۴/۷۵ تعیین گردید. با توجه به این میزان و سطح معنی‌داری می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه «ارتباط بین حاشیه‌نشینی و انحرافات» با اطمینان بیش از ۹۹ درصد (sig=۰/۰۰۰) تأیید شده است.

بررسی «رابطه بین حاشیه‌نشینی و کار کردن کودکان»
برای بررسی این فرضیه از آزمون (T, Z) استفاده شده است.

جدول ضرایب همبستگی بین حاشیه‌نشینی و کار کودکان

ضرایب	میزان	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
خی دو	۱/۷۴	۲	۰/۱۸۶
ویلکاکسون	-۰/۶۴۶	۲	۰/۱۸

همان‌طور که از داده‌های جدول فوق هویداست، هم با استفاده از آزمون t-test و هم کا

اسکوار (squarchi) فرضیه مذکور رد می‌شود. زیرا سطح معنی‌داری آن بیش از ۰/۰۵ است ($P > ۰/۰۵$) پس باید گفت فرضیه «رابطه حاشیه‌نشینی و کار کودکان» تأیید نمی‌شود.

بررسی «رابطه بین حاشیه‌نشینی و بیکاری»
به توزیع این دو متغیر در جدول زیر دقت کنید.

جدول ضرایب همبستگی بین دو متغیر حاشیه‌نشینی و بیکاری

کل		غیر حاشیه‌نشین		حاشیه‌نشین		وضعیت بیکاری
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۹۴/۵	۳۷۸	۱۳/۵	۵۴	۸۱	۳۲۴	بالا
۲/۵	—	—	—	۲/۵	۱۰	متوسط
۳	۱۲	۱	۴	۲	۸	کم
۱۰۰	۴۰۰	۱۴/۵	۵۸	۸۵/۵	۳۴۲	کل

Chi=۱۳/۹۶

df=۲

sig=۰/۰۰۰

برای آزمون این فرض نیز از طریق ناپارامتری و آزمون کاسکوار استفاده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه وجود دارد، به بیان دیگر، هر چه میزان بیکاری فزونی یابد، احتمال حاشیه‌ای شدن فرد زیادتر می‌شود این گفته با اطمینان حدود ۹۹ درصد صحیح است. البته عوامل مختلفی از جمله درآمد پایین، بیکاری، و فرار از شرایط سخت زندگی باعث می‌شوند فرد با کوله‌باری از امید به سوی شهر رهسپار شود: یافتن شغل مناسب، درآمد عالی امیدهایی از قبیل؛ غافل از این‌که کاخ آمال آن‌ها با سکونت در چنین مناطقی فرومی‌ریزد و در حاشیه شهر به امید یافتن شغل باید روزگار بگذرانند. چه بسا از

ترس تمسخر هموطنان خود ترجیح می‌دهند به هر قیمتی در شهر بمانند. البته می‌توان گفت یکی از علل انحرافات دردنیای امروز، مخصوصاً در شهر و حاشیه آن بیکاری است. تحقیقات نشان می‌دهد که «شاغل بودن، فرصت برای فعالیت‌های بزهکارانه را محدود می‌کند (Vold and Bernard, 1986: 42).

بررسی فرضیه «رابطه بین شغل قبلی و شغل فعلی»

جدول ضرایب همبستگی و ارتباط بین شغل قبلی و شغل فعلی

ضرایب	میزان	سطح معنی داری
کندال بی	۰/۲۹۹**	۰/۰۰۰
اسپیرمن	۰/۳۲۷**	۰/۰۰۰

به داده‌های جدول فوق توجه کنید. همان‌طور که می‌بینید، ضریب کندال و اسپیرمن بیانگر اثبات فرضیه است. به بیان دیگر، بین این دو متغیر، با اطمینان زیادی رابطه وجود دارد. بدین معنا که حاشیه‌نشین‌ها به همان سطوح کارهایی می‌پردازند که در قبل بدان مشغول بوده‌اند و اگر تحرکی صورت گیرد، در سطح افقی است. برای توضیح بیش‌تر باید خاطر نشان کنیم که اغلب مهاجران در مبدأ کارهایی انجام می‌دادند که ساده بود و به مهارت و سرمایه نیاز نداشت، و در این محل نیز ویژگی کاری آن‌ها تغییر نکرده است. به بیان لهسایی زاده «... مهاجران به علت نداشتن تخصص‌های مورد نیاز در شهرها، پس از احراز شغل‌های پست به یک تحرک افقی افتاد، دائم از چاله به چاه می‌افتند (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۱۴).

بحث و نتیجه‌گیری

صنعتی شدن و شهرنشینی عوارضی از جمله، فاصله طبقاتی، تجمع ثروت در دست عده‌ای

و فقر عده‌ای کثیر، حاشیه‌نشینی و مهاجرت به شهرها و سکونت در حاشیه شهرها را به همراه داشتند. در این پژوهش، به حاشیه‌نشینی به مثابه یک عارضه شهری نگریسته شد. حاشیه‌نشینان اکثراً مهاجران از روستاهایند که برای فرار از بیکاری و فقر با هزاران آمال و آرزو جلای وطن کرده‌اند ولی به علت عدم تمکن مالی و پایین بودن تحصیلات و مهارت نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر شوند؛ لذا به حاشیه شهر رانده شده‌اند و قشر فقیر شهر را تشکیل داده‌اند - فقیرانی که نیازهایی دارند ولی قادر به برآوردن آن‌ها از راه مشروع و قانونی نیستند، پس به راه‌های نامشروع متوسل می‌شوند. از آن‌جا که اقتصاد اکثر کشورها بیمار است - مخصوصاً کشورهای جهان سوم که نظام مالیاتی ضعیفی دارند - در نتیجه هر روز به ثروت ثروتمندان و فقر فقرا افزوده می‌شود. این فقرا چشم امید به کمک و مساعدت ثروتمندان ندارند، چراکه می‌دانند: «درم داران عالم را کرم نیست - کرم داران عالم را درم نیست». پس به کارهای غیرقانونی از جمله قاچاق کالا و مواد مخدر و سرقت روی می‌آورند. از آن‌جا که این قشر هیچ پشتیبانی نیز ندارند، وقتی گرفتار قانون و پلیس می‌شوند، زندان مأمّن آن‌ها می‌شود و برچسب انحراف می‌خورند. در بسیاری از موارد، این فقر است که آن‌ها را رهسپار زندان می‌کند. به قول میشل بست «هنگامی که دیگر نه نانی برای کارگری باقی مانده است نه خورشت، نه پولی، نه آتش، نه سرپناهی ناچار گدایی می‌کند، و دستبرد می‌زند و دزدی می‌کند و از چنگ بهره‌کشان که درمی‌آید، به دست قاچاقچیان گرفتار می‌آید...» (میشل بست، ۱۳۷۲: ۹). همان‌طور که می‌بینید، قصه زندگی قشر عظیم جمعیت حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ، تراژدی کامل است. اصفهان هم یکی از شهرهای بزرگ کشور است که محل سکونت عده کثیری با ویژگی حاشیه‌نشینی است. در زیر، دورنمایی از زندگی این حاشیه‌نشینان را ارائه می‌دهیم. اگر بخواهیم وضعیت منطقه ارزان و دارک را از نظر خود پاسخگویان تشریح کنیم، چنین خواهد شد:

میزان بیکاری در این مناطق در سطح بسیار بالاست. ۹۴ درصد پاسخگویان این معضل را

در منطقه زیاد اعلام کردند. در عوض، امکانات رفاهی منطقه در سطح بسیار پایینی قرار دارد. در حدود ۸۸ درصد پاسخگویان اعلام کردند که امکانات رفاهی در این منطقه بسیار کم است. و فور مسکن نامناسب نیز از دیگر ویژگی‌های منطقه است. بیش از ۷۰ درصد از ساکنان این منطقه اظهار کردند که مسکن نامناسب در منطقه بسیار زیاد است. استعمال و فروش مواد مخدر نیز از نظر ۷۰ درصد اهالی زیاد است. گروه‌های انحرافی به دید بیش از ۵۰ درصد از مردم منطقه در حد زیاد هستند. از طرفی، از دید ۶۶ درصد مردم، مسائل و مشکلات آن‌ها (قشر فقیر) برای سیاستمداران اصلاً مطرح نیست و ۴۸ درصد آن‌ها برایشان فرقی نمی‌کند که چه کسی در رأس کار و امور سیاسی قرار گیرد.

حال با تشریح وضعیت منطقهٔ ارزنان و دارک آیا به این نتیجه نمی‌توان رسید که چنین مردمی استحقاق توجه بیش از این را دارند؟

البته در جریان این تحقیق، فرضیاتی به بوتهٔ آزمایش گذاشته شد و نتایج زیر حاصل گردید:
- فرضیهٔ «بین حاشیه‌نشینی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد» با میزان ضریب خی دو ۹/۴۶ در سطح معنی‌دار خوبی تأیید گردید.

- فرضیهٔ «رابطهٔ بین حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی» نیز با میزان $Z = - ۹/۳۷۲$ با اطمینان بیش از ۹۹ درصد تأیید شد.

- فرضیهٔ «رابطهٔ حاشیه‌نشینی و انحرافات» با میزان خی دو ۳۴/۷۵ و خطای بسیار پایین تأیید گردید.

- فرضیهٔ «رابطهٔ بین حاشیه‌نشینی و مشارکت فرهنگی» نیز با میزان $Z = - ۸/۹۱$ و سطح معنی‌داری بسیار بالایی ($\text{sig} = \dots$) تأیید شد.

- فرضیهٔ «رابطهٔ بین حاشیه‌نشینی و کار کودکان» رد گردید.

- فرضیهٔ «رابطهٔ بین حاشیه‌نشینی و شغل قبلی» نیز با ضریب خی دو ۳۸/۳۹ و اطمینان بسیار بالایی تأیید شد.

راه‌حل‌های پیشنهادی

راه‌حل هر مشکل اجتماعی مستلزم شناخت مسئله اجتماعی، شناخت شرایط اجتماعی - فرهنگی جامعه، و آگاهی از تجربیات جوامع و بهره‌گیری مناسب از آن است.

مشکل حاشیه‌نشینی گریبانگیر اکثر جوامع بوده و هر کشوری برای حل آن، تمهیداتی اندیشیده است که چه بسا با تغییرات مختصر می‌توان از آن‌ها بهره‌جست. طرح گرامین بانک که ابتدا در بنگلادش مورد استفاده قرار گرفت (بعدها در آمریکا و کشورهای اروپایی نیز پیاده شد و موفقیت‌آمیز نیز بود) می‌تواند مثرثمر باشد. در این طرح بانکی، وام‌های کوچک با بهره‌های پایین به مردم فقیر، برای خوداشتغالی و بعضاً مسکن تعلق می‌گیرد. هر وام‌گیرنده با خرید حداقل یک سهم (مبلغ ناچیز) خود، سهامدار بانک می‌شود تا سود حاصل از وام‌ها به او نیز برگردانده شود. گردانندگان و اکثر هیئت مدیره نیز از بین همین مردم فقیر انتخاب می‌شوند. این طرح برای قسمت‌های حاشیه‌نشین شهری ایران نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (در این صورت باید یک گروه تحقیقاتی جهت سنجش و بررسی و ارائه راه‌کارهای صحیح تشکیل شود و تمام جوانب مسئله را بسنجد (هادی‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۰۳-۲۲۱).

از طریق وام‌های کوچک با بهره کم می‌توان قدرت تولیدی مناطق حاشیه‌نشین را بالا برد. البته برای عملی‌تر شدن این موضوع می‌توان شرکت‌های تعاونی تولیدی را در منطقه تقویت کرد؛ مثلاً به ۵ نفری که تعهد کنند با همدیگر یک تولیدی را راه‌اندازی می‌کنند، وام‌های ۵ نفره داده شود. البته برای بهبود مسکن نیز می‌توان وام‌هایی در نظر گرفت تا خود فرد حاشیه‌نشین در امر بهسازی مسکن مشارکت نماید تا بدین وسیله، هم مسئله بیکاری کاهش یابد و هم وضعیت مسکن بهبود پیدا کند.

البته این وام‌ها می‌تواند به زنان نیز تعلق گیرد تا برای تولید فرش، صنایع دستی و خشکبار به کار گیرند تا بدین صورت، هم از نیروی کار زنان که بیش از ۷۰ درصد مردم فقیر را تشکیل می‌دهند استفاده شود و هم میزان تولید و در نتیجه درآمد خانواده‌ها افزایش یابد.

یکی از عواملی که باعث حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ شده است، رواج مهاجرت است که برای کاهش آن باید سرمایه‌داران را به سرمایه‌گذاری در مناطق کم‌جمعیت تشویق کرد؛ برای تحقق این امر می‌توان تسهیلات ویژه (وام‌ها با بهره‌ پایین و معافیت‌های مالیاتی) برای سرمایه‌گذاران فراهم کرد. البته این سیاست کم‌وبیش اجرا شده است ولی از آن‌جا که اکثر سرمایه‌داران فقط به فکر منافع شخصی هستند، از این تسهیلات کم‌تر در امر تولید و به‌کارگیری نیروی کار استفاده می‌شود. با نظارت منظم و مستمر می‌توان از چنین سودجویی‌هایی جلوگیری کرد.

در جریان این پژوهش روشن شد که هر منطقه و هر شهرداری از طریق مالیات‌ها و عایداتی که از مردم می‌گیرد، برای رفع مشکلات و فراهم آوردن امکانات همان منطقه استفاده می‌کند. مسلم است با این سیاست، مردمی که در نواحی مرفه زندگی می‌کنند و قدرت مالی بهتری دارند، شهرداری‌های آن مناطق نیز بهتر می‌توانند پول جذب کنند و در جهت رفاه مردم به کار برند. این امر باعث شدت گرفتن فاصله‌های مناطق می‌شود. به نظر می‌آید که اگر تمام شهرداری‌ها یک صندوق واحد داشته باشند تا عایداتشان بدان صندوق واریز شود و بر اساس نیازهای هر منطقه از این عایدات و درآمدها استفاده گردد، وضع طبقه پایین جامعه به مراتب بهتر می‌شود، چراکه در محله‌های فقیرنشین، نیازها بیش‌تر ولی درآمد شهرداری‌ها کم‌تر است. آیا این انصاف است؟ در ضمن از همین عایدات می‌توان در جهت راه اندازی بانک به مانند بانک گرامین استفاده کرد.

منابع

- ارجمند نیا، اصغر. «فرهنگ جدید در شهرنشینی»، مجموعه مقالات ارائه شده در سمینار شهرهای جدید. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مهرماه ۱۳۶۹.
- انصاری، عبدالمعبود. ایرانیان مهاجر در ایالات متحده، پژوهشی در حاشیه‌نشینی

- دوگانه. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: آگه، ۱۳۶۹.
- انصاری، عبدالمعبود. حاشیه‌نشینان شیراز به تهران. تهران: آگه، ۱۳۵۷.
- خویی، له‌تان. جوانان استعمارشده. ترجمه امان‌الله ترجمان. تهران: پرشکوه، ۱۳۸۰.
- ربانی، رسولی و افشارکهن. «حاشیه‌نشینانی و مشارکت»، فرهنگ اصفهان. شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۱.
- ربانی، رسولی و مجتبی شاهنوشی. مبانی جامعه‌شناسی. تهران: آوای نور، ۱۳۸۰.
- زاهد زاهدانی، سیدسعید. حاشیه‌نشینان شهر کرمان. تهران: دفتر مطالعات ناحیه‌ای، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵.
- زاهد زاهدانی و سیدسعید. حاشیه‌نشینانی. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹.
- سرایی، حسن. مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق. تهران: ۱۳۷۲.
- فرجاد، محمدحسین. روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی. تهران: همراه، ۱۳۶۱.
- کینریل و کولین‌گری. SPSS در محیط ویندوز. ترجمه علیرضا منتظری. تهران: کانون نشر علوم، ۱۳۷۷.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. نظریات مهاجرت. شیراز: نوید، ۱۳۶۸.
- منصوریان، محمدکریم و سیدعلیرضا آیت‌اللهی. حاشیه‌نشینان شیراز در استان فارس. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۵۷.
- میشل‌بست، ژان. جامعه‌شناسی جنایت. ترجمه فریدون وحیدا. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- نیرومند، مصطفی و مجید احسن. حاشیه‌نشینان بندرعباس. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- هادی‌زاده، مریم. حاشیه‌نشینانی و راه‌کارهای ساماندهی آن در جهان. مشهد: شهرداری مشهد، ۱۳۸۲.

- Brinley, Thomas. "Migration: Economic Aspects", Sill.(ed.) *International Encyclopeda of Social Science*. Vol 10, New York: The Free Press, 1966.
- Burgess, Ernest. *The Growth of a City*. The University of Chicago Press, 1967.
- Clinard, Marshal B. *Slum and Community Development*." NewYork: The Free Press, 1966.
- Lerner, Daniel. *The Passing of Traditional Society: Modernizing the Middle*. NewYork: The Free Press, 1966.
- Mbugua Credit. "Alone Can Take you only sofar", *International Woman's Day Nation Newspapers United*. 2002.
- Pierre, Merlin. *Dictionnaire de L'urbanization et de L'amenagement Francose*. Choay Puf, Paris, 1988.
- www.urban "sociology theories" hem. 2003.